

در باب هنر تئاتر

گوردون کرگ

ترجمه ابوالفضل وثوقی

نشر قطره



این پرسش همواره در میان است که آیا تئاتر با زمانه هنوز هم هماهنگ است. آیا هنر تئاتر قرن‌ها باز تابنده‌ی جهان پیرامون ما بوده و چگونگی و موقعیت انسان‌ها را به تصویر کشانده است. تئاتر هنری ناخالص است و نیروی زندگی و حیات خود را از همین می‌گیرد. بدون پروا از همه‌ی امکانات بهره می‌گیرد و بر بنیان‌های خود

نیز پایبند نیست. تئاتر در گذر زمانه نگاهی نیز به مَد زمانه می‌کند. گاه فصیح و گاه پیش پا افتاده است. گفته شده است که تا زمانی که انسان‌ها نیازمند باشند که همدیگر را ببینند و آن گونه هستند یا نیستند و آن گونه که باید باشند خود را به همدیگر نشان دهند، تئاتر همیشه لبالب از زندگی خواهد بود. تئاتر باید زنده نگاه داشته شود.

تئاتر هنری قدسی و پیوندی است میان انسان و غیب. هم از این رو است که تئاتر قابل ستایش و دوست داشتنی است. تئاتر ماندنی است تا زمانی که انسان هست و زندگی می‌کند:

«از من انتظار نداشته باشید که معنای کلمه‌ی «زیبا» را از دید اهل هنر برای شما بیان کنم. همین قدر می‌توانم بگویم که زیبا هر آن چیزی است که در حد اعلای هماهنگی، درستی، کمال و سرشاری باشد. در هنر هر آنچه قشنگ، چشم‌نواز یا گوش‌نواز است، هر آنچه بزرگ و باشکوه است، الزاماً همیشه زیبا نیست. هر چند همه‌ی این صفات از الزامات زیبایی است. دامنه‌ی زیبایی آن قدر وسیع است که ممکن است همه چیز حتی «زشتی» و «خشونت» را نیز دربرگیرد. اما می‌توان گفت یک چیز هست که حتماً زیبا نیست و آن «اثر ناقص و ناتمام» است. اگر از این مسیر به جست و جوی زیبایی در تئاتر برویم می‌توانیم امیدوار باشیم که تئاتر جان تازه‌ای خواهد گرفت، بیدار خواهد شد...»

متن فوق برگرفته از کتاب حاضر تحت عنوان در باب هنر تئاتر گوئیای اندیشه‌ای از گوردون کرگ می‌باشد. کارگردان و نظریه‌پرداز هنر تئاتر در انگلیس که در سال ۱۸۷۲ متولد و به عنوان یک منبع فیاض در زمینه‌ی زیباشناسی هنر تئاتر شناخته شد. به نظر کرگ، تئاتر هنر حرکت در فضا، و هنری است بر مبنای تلقین و تجسم نمادین خطوط، رنگ‌ها، حرکات و بازی سایه و نور.

کرگ سخت شیفته‌ی سنت‌های تئاتر کهن «کمیدادلارته»، «خیمه شب‌بازی» «نمایش‌های آیینی مشرق زمین» و «نمایشنامه‌های مذهبی قرون وسطی» بود.

در سال‌های پایانی، عمر خود را به جمع‌آوری نوشته‌ها، طرح‌ها، عکس‌ها و تابلوهایی معطوف کرد که به نحوی با عالم تئاتر مرتبط بود و تلاش او مصرف طرح‌ریزی چیزی بود که خودش آن را تئاتر آینده می‌نامید. از او دو کتاب عمده بر جای مانده است: تئاتر در مسیر تعالی و در باب هنر تئاتر.

کتاب حاضر تحت عنوان در باب هنر تئاتر در چهارده بخش ارائه شده و به مطالب زیر می‌پردازد:

بازیگران تئاتر آینده / در باب شخصیت بازیگر / در باب کارگردان / در باب دکور و حرکت / تئاتر آینده: امیدی بزرگ، بازیگر و عروسک‌های گنده / در باب پاره‌ای از گرایش‌های دردناک تئاتر مدرن / نقش نمایشنامه‌ها، ادبا و نقاشان در هنر تئاتر (تئاتر در آلمان، روسیه و...، گفت و گوی اول... در باب هنر تئاتر، گفت و گوی دوم - در باب تئاتر) / اشباح تراژدی‌های شکسپیر / در باب تئاتر شکسپیر / رئالیسم و تئاتر / تئاتر در فضای باز / در باب سمبولیسم / در باب چیزهای ظریف و قیمتی.

کرگ در باب این کتاب می‌نویسد که اندیشه‌هایش در جهت ایجاد یک تئاتر نوین به روشنی تبیین شده است. به عبارتی محتوای این اثر از نگاه او یک آرزو و یک رویا در راستای تحقق تئاتری نوین است و انتظار بیشتری از آن نمی‌توان داشت. به باور او خواننده با خواندن این کتاب درمی‌یابد که کرگ نیز نمی‌خواهد به جای بازیگران زنده، عده‌ای هنرمندنا همچون عروسک‌های بی‌جان بر صحنه جولان دهند.

کرگ در سخن اول می‌نویسد: این نوشته را به نسل هنرمندان مبارزی هدیه می‌کنم که در تمام تئاترهای جهان پراکنده‌اند. به خصوص به آن شخصیت منحصر به فردی که روزی خواهد آمد و برای هنر تئاتر بنیان و اساس نوینی برپا خواهد کرد.